

پیام ولایتی به جوانان آماده برای نابودی رژیم صهیونیستی

دبیر کل مجمع جهانی بیداری اسلامی در پیامی به جوانان آماده برای نابودی رژیم صهیونیستی گفت: «امروز جوانان بر روند فلسطین جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و بی ترس و بیم در مقابل صهیونیست‌های ایستند و دیر یازود این دشمنان خدا را به شکست مذلت بار وادار خواهند کرد.» در پیام علی اکبر ولایتی، آمده است: چه کسی باور می کرد که عده‌ای خداجوی و مومن به رسالت محمدی (ص)، عاشقانه برای دفاع از اسلام عزیز و مرزهای مقدس آن، این چنین جان ، مال و فرزندان خود را در مقابل این کسانی که به هیچ آیین الهی معتقد نیستند و عملاً در مقابل دستورات پیامبران بزرگ الهی چون حضرت ابراهیم، حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) ایستاده‌اند به مجاهده برخیزند. تسلیت از این بابت که این از خدایی خبران، بی دریغ بر مرد و زن و کودک و بیمار گلوله می‌پندند و بی رحمانه آنها را به قتل می‌رسانند و بر رنج فلسطینی‌های رنج کشیده می‌افزایند. با کمال تأسف، سردمداران بی‌رحم جهانی و حامی صهیونیزم نیز هر روز امکانات پیشرفته و اسلحه‌های کشنده و مخوف بیشتری در اختیار رژیم کودک کش صهیونیستی می‌گذارند و رسانه‌های آنها نیز بی‌شرمانه در خدمت این قداره بندندند. تظاهرات بسیار مهم و برخاسته از خشم توده‌های عظیم مسلمانان ام از زن و مرد و پیر و جوان و غربی و شرقی در سراسر گیتی، سیلی خواهد شد و صهیونیزم را با خود به زیاله دان تاریخ می برد و زمین پاک بیت المقدس و فلسطین، مهیط پیامبران الهی از لوث و جود آنها را پاک خواهد کرد. آلیس الصبح یقرب یک مابه صهیونیست‌ها و حامیان آنها اخطار می‌کنیم که از سرنوشت دیگر زور گویان و ظالمین تاریخ بشر پند گیرند و بیشتر از این با سرنوشت این مظلومین جهان اسلام بازی نکنند. مسلمانان نشان دهند که تحمل آنها حدی دارد و برای همیشه از روش ذلت بار بعضی از حکام خود تبتعت نخواهند کرد. امروز جوانان برومند فلسطین جان خود را در طبق اخلاص گذاشته و بی ترس و بیم در مقابل صهیونیست‌های ایستند و دیر یازود این دشمنان خدا را به شکست مذلت بار وادار خواهند کرد.»

اصرار سیاستمدار جنجالی بر استعفا ی بی‌بی

اگر چه نتانیاهو نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس بدترین شکست تاریخ اراضی اشغالی را به ضرر خود و صهیونیست‌ها رقم زده است، اما قطعاً اصرار را تمام در خصوص استعفا ی وی به دلیل شکست در نبرد، ریشه در حقیقت طلبی یا حتی واقع بینی رئیس جمهور جنایتکار و سابق ارتش ندارد. به نظر می‌رسد ترامپ پس از شکست مسلم اخیر صهیونیست‌ها و غفلاغیری تلاویو در برابر عملیات طوفان الاقصی، بهترین فرصت زمانی را برای انتقام از نتانیاهو پیدا کرده است؛ کسی که در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰، حاضر نشد از ادعای رئیس جمهور آمریکایی آپیک جهت تغییر نتیجه انتخابات به سود جمهوریخواهان نکرده. دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا به هوادارانش می‌گوید که می‌خواهد بنیان بین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس استعفا دهد. این نشری به نقل از منابع نزدیک به این سیاستمدار می‌نویسد: در روزهای اخیر، ترامپ با حامیان و حامیان جمهوریخواه مکالمات تلفنی داشته است که می‌خواستند بداندن وی در صورت پیروزی در انتخابات، در وضعیت تشدید تنش پیرامون اسرائیل چگونه رفتار خواهد کرد. در این گزارش آمده است که ترامپ ایده‌هایی را در باره قطع هر گونه کمک به فلسطین مطرح کرده و از سایر کشورها نیز خواسته است که همین کار را انجام دهند. این روزنامه نوشت: اما در خلال این مکالمات خصوصی، ترامپ همچنین وقت بسیار زیادی را صرف سرزنش شدید نتانیاهو کرده است. پیشتر دونالد ترامپ در مصاحبه‌ای وزیر رژیم صهیونیستی به دلیل فقدان آمادگی برای حمله حماس که منجر به کشته شدن افزون بر یک هزار و ۵۰۰ صهیونیست شده است، انتقاد کرد. رئیس‌جمهوری سابق آمریکا تأکید کرده است که نتانیاهو برای حمله حماس آماده نبود و از این حمله به شدت آسیب دیده است. پس از عملیات موفقیت آمیز در زندگان مقاومت فلسطین از نوار غزه به اراضی اشغالی و موشک باران این اراضی از سوی فلسطینیان، شوک شدیدی به تلاویو وارد شده است. حتی اصرار نتانیاهو به عملیات زمینی نیز از سوی بسیاری از ژنرال‌های ارتش اسرائیل رد شده و به مثابه نوعی خودزنی و خودکشی مورد تحلیل قرار گرفته است. حماس این حمله را پاسخی به جنایات متعدد و مستمر صهیونیست‌ها علیه مسجد الاقصی در بیت المقدس اعلام کرده است. به دنبال آن اسرائیل محاصره کامل نوار غزه را اعلام کرده و نسل کشی آشکار کودکانه در این منطقه را در دستور کار قرار داده است. در چنین شرایطی اصرار ترامپ مبنی بر استعفا ی نتانیاهو، نوعی انتقامجویی علیه نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس محسوب می‌شود. حتی ممکن است رئیس جمهور سابق آمریکا با برخی چهره‌های افراطی مانند بن گویر و اسمو تریج در کابینه رژیم اشغالگر قدس در خصوص حمایت خود از آنها برای جایگزینی نتانیاهو مذاکراتی را صورت داده باشد.

مهدی مطهر نیا در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

شانگهای و بریکس تیر رسانه‌ها را پرمی‌کند؛ نه سفره‌های مردم را

رفع تحریم‌ها متوجه اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ است

روسیه، چین و اروپا فقط منافع خود را از چالش ایران و آمریکا کسب کرده‌اند

آرمان ملی – حمید شجاعی: روز پنجشنبه بود که دبیر خانه شورای امنیت سازمان ملل با ارسال یادداشتی به کشورهای عضو سازمان ملل متحد، پایان رسمی مقررات پندهای ۳، ۴ و ۶ ضمیمه ب قطعنامه ۲۲۳۱، شامل آزمایش‌های موشکی، محدودیت صادرات و واردات اقلام موشکی به ایران و همچنین تحریم‌های مربوط به توقیف اموال و ارائه خدمات مالی به افراد و نهادهای ایرانی تحت تحریم شورای امنیت را به اطلاع کشورها رساند و به این ترتیب عملاً تحریم‌های تسلیحاتی ایران در جهت خرید و فروش برداشته شد. این در حالی است که پیش از این در تاریخ مقرر غروب بر جام ایران و آمریکا و همچنین ترونیکی اروپایی تأکید خواهند کرد که به رغم پایان یافتن زمان تحریم‌های تسلیحاتی ایران آنها تسلیحاتی علیه ایران را حفظ خواهند کرد و گامی در جهت برداشتن این تحریم‌ها بر نخواهند داشت. حال پرسش اینجاست که وقتی شورای امنیت رای به پایان تحریم‌های ایران می‌دهد چگونه بر خی کشورها بر موضع خود بر عدم برداشتن تحریم‌ها اصرار می‌ورزند؟ این مساله به لحاظ حقوقی نیز قابل پیگیری خواهد بود و ایران می‌تواند بدون هیچ گونه محدودیتی به تجارت تسلیحاتی بپردازد. هر چند که چین و روسیه نیز تلویحاً از این موضوع حمایت کرده‌اند، اما باید دید اگر غرب بخواهد تحریم‌هایی را برای کشورهایی که به تجارت تسلیحاتی با ایران بپردازند اعمال کند آن زمان شرایط چگونه و به چه سمت و سویی پیش خواهد رفت. در این راستا برای بررسی شرایط پایان رسمی تحریم‌های تسلیحاتی ایران، نوع مواجهه غربی‌ها و احتمال احیای بر جام «آرمان ملی» با مهدی مطهر نیا آینده پژوه سیاسی، رئیس اندیشکده سیمرغ و تحلیلگر مسائل بین‌الملل به گفت‌وگو پرداخته است که در ادامه می‌خوانید.

روژ پنجشنبه دبیر خانه شورای امنیت سازمان ملل به

همه کشورها اعلام کرد که تحریم‌های تسلیحاتی ایران پایان یافته است؛ اما آمریکا و اتحادیه اروپا گفته‌اند که تحریم‌های ایران را حفظ خواهند کرد؛ به لحاظ قواعد بین‌المللی این اختلاف چگونه قابل تحلیل است؟

در عالم سیاست توافق نامه‌ها و حتی تعهدنامه‌ها ضمیمه اراده سیاسی دولتمردان در حوزه روابط بین‌الملل است. از منظر واقعیت امر قوانین بین‌المللی در سایه اراده سیاسی معنا و تعریف عملیاتی پیدا می‌کند. به بیان ساده‌تر بسیاری از قوانین، توافقنامه‌ها، تعهدنامه‌ها، اتحادها و واژگان دیگری نظیر اینها تحت تأثیر اراده سیاسی و اراده سیاسی پیرو قدرت چیره در عرصه بین‌المللی است. اگر چه خود حقوق و قوانین منبع قدرت مشروع است؛ اما در عرصه روابط بین‌الملف مشروعیت قدرت بیش از عرصه سیاست داخلی متوجه تر از نامه قدرت است. هر چه تراز قدرت طرف‌های درگیر در یک موضوع بالاتر باشد قوانین در ذیل تفسیر و اراده آنها برای اقدام عملیاتی تر می‌شود. از این رو اگر چه در هشتمین سال گذر از توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ بخشی از بندهای غروب بر جام به سر رسیده و تعدادی از تحریم‌های تسلیحاتی و موشکی ایران در سازمان ملل متحد لغو می‌شود، اما نکته‌ای که وجود دارد آن است که آیا اراده قدرت‌های بزرگ بر این منوال قرار خواهد گرفت؟ البته روسیه و چین از آن اسبقای می‌کنند، یکی از بندهای غروب بر جام به تبع آن قطعنامه ۲۲۳۱ که مربوط به سال هشتم اجرای توافق است از ۱۸ اکتبر ۲۰۲۳ به عنوان ضمیمه بند ب قطعنامه ۲۲۳۱ که در متن روز انتقالی نامیده شده بخشی از تحریم‌های ایران از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد را به صورت خود کار لغو می‌کند. اما آیا تحریم‌هایی که بر این اساس شامل فرآیندهای تسلیحاتی و موشکی ایران می‌شود برداشته خواهد شد؟ به عبارتی محدودیت‌هایی مرتبط با فعالیت‌های ایران در ارتباط با موشک‌های بالستیک که قابلیت حمل سلاح هسته‌ای دارند با پایان تحریم‌ها و انسداد اموال و دارایی‌هایی چندین فرد و بالغ بر ۶۰ نهاد درگیر در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران و همچنین محدودیت در خصوص انتقال موشک‌ها، پهپادها و فناوری‌های مرتبط با ایران تا حدودی با تردید روبه‌رو است، چرا که برنامه‌های محدود سازنده ایران در زمینه‌های تعریف عملیاتی از بندهای بر جام بیش از آنکه وابسته به دایره حقوقی و توافقنامه بر جام یا حتی قطعنامه ۲۲۳۱ باشد متوجه اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ برای حل و فصل اصطکاک و منازعه و خود را در چنگ انداخته است. با توجه به جنگ اوکراین و اکنون جنگ در غزه مواضع تهران و همچنین مواضع ایالات متحده آمریکا و کشورهای متحد آمریکا در سطح منطقه و بین‌المللی به نظر می‌رسد این معنا تا حد زیادی با تردید روبه‌رو باشد و در عمل باز تحریم‌ها ادامه پیدا کند و قواعد حقوقی ناظر بر این توافقنامه نیز تنها برای اغذ باقی بماند. اگر چه ایران مشروعیت بیشتری در این زمینه حاصل و از منظر حقوقی می‌تواند با فراغ بال بهتری در این زمینه عمل کند. اما محدودیت‌های ناشی از فشار کشورهای به ویژه غربی یعنی اتحادیه اروپا و آمریکا همچنان فعال خواهد بود.

تأثیرات این اختلاف حقوقی را بر دیگر کشورها چطور می‌بینید؟ اینکه ایران بخواهد بر مبنای آنچه سازمان ملل گفته به خرید و فروش تجهیزات نظامی بپردازد؛ اما سایر کشورها به جهت ترس از تحریم آمریکا از این کار امتناع کنند.

به هر روی بر جام امروز در حالت توافقنامه‌ای بین‌المللی است و حتی به صورت یک تعهد بین‌المللی شناخته نمی‌شود. قدرت اجرایی و نفوذ بر جام امروز به پایین‌ترین حد خود رسیده به گونه‌ای که من بارها گفته‌ام که بر جام مرده است. با توجه به اینکه ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۸ از بر جام خارج شد و برای پیوستن ایران به مذاکرات در جهت اجرای بر جام در وین نیز ایران در مقابل آمریکا و آمریکا در مقابل تهران به نتایج مورد نظر دست نیافتند و مذاکرات پایان یافت؛ احتجاج به بر جام در هر دو طرف ضعیف‌تر است. فلذا آنچه که اکنون از نظر علمی مطرح است رفتار و کنش‌های سیاسی

طرف‌های درگیر نسبت به یکدیگر است. لذا اگر بخواهیم بگوییم که ایران به قواعد بین‌الملل عمل می‌کند از منظر تعریف و تفسیری که در باب عمل به قواعد بین‌المللی وجود دارد بیش‌ترین میزان اتهام از سوی افکار عمومی مردمان این کشورها و دولت‌های حاکم بر این کشورها به سمت تهران در ارتباط با پرونده هسته‌ای، پرونده حقوق بشر اعراب و اسرائیل و مسائل مربوط به این پرونده‌ها و مسائل مطرح شده در این باب در ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی است. فلذا ایران نیز انگشت اتهام را به توسعه و ترفندی که کشورهای استکباری برای مقابله با گفتمان انقلابی با تهران دارند می‌گیرد. در چنین وضعیتی اثر توافقنامه‌ای به نام بر جام که به تعهدی هم در جامعه بین‌المللی از سوی طرفین تبدیل نشده و یکی از طرفین مهم از آن خارج و دوباره برای ایجاد فضای صحبت در باب اقدام مشترک در زمینه‌های متمایز ولی پیوسته با پرونده هسته‌ای در ارتباط با ایران بوده است در یک وضعیت بسیار لغزنده قرار دارد. فلذا هر کدام از طرفین انگشت اتهام را به طرف دیگری قرار می‌دهند که در نتیجه نهایی آنکه اراده به استفاده از ابزار قدرت بیشتری را دارا باشد به پیروی از آن اراده‌های فشار فزون‌تری نسبت به دیگری برای کنترل رفتار و کنش طرف مقابل داشته باشد در میدان موضع را مشخص می‌کند. حال آیا ایران بار دست داشتن این قواعد حقوقی یعنی غروب بر جام خواهد توانست در اراده سیاسی که ایران را به حمایت از تروریسم، نقض حقوق بشر، ایجاد چالش‌ها و بحران‌های منطقه‌ای، دستبایی به سلاح‌های غیرمتعارف، مبارزه با اسرائیل و نابودی این رژیم متهم می‌کند با میزان قدرتی که اکنون از منظر نیروهای پیشران در تهران وجود دارد بر قدرت‌های بزرگ جهانی غلبه کند؟ یا قدرت‌های بزرگ جهانی همسوا با ایران در حمایت از ایران وارد عمل خواهند شد؟ آنچه روسیه و چین نشان داده‌اند آن است که همواره محافظه کارانه از برگ ایران به نفع پایتخت‌های خود استفاده کردند و هیچگاه نه چین و نه روسیه و نه سازمان‌های بین‌المللی مثل جنبش غیر متعهدها و دیگر سازمان‌هایی که در این زمینه ایران در عرصه بین‌المللی بارها به آنها اشاره و حتی تکیه کرده است برای ایران سرمایه گذاری خاصی را در دهه‌های گذشته انجام نداده‌اند. از طرف دیگر نزدیک ایالات متحده آمریکا با اتحادیه اروپا در ارتباط با پرونده ایران و همچنین درباره پرونده‌های متفاوتی که در باب تهران مطرح است بیشتر شده است. به ویژه همکاری میان واشنگتن و لندن در ارتباط با تهران روبه تزاید است. اکنون با توجه به بحران اوکراین و اتهاماتی که اروپاییها به تهران وارد کرده‌اند و همچنین جنگ غزه، به نظر می‌رسد که تهران کار آسانی نخواهد داشت.

با وجود اینکه بسیاری از تحلیلگران از عدم احیای بر جام سخن می‌گویند؛ اما برخی اتفاقات مثل تبادل زندانیان با اظهارات مقامات طرفین این احتمال را به میان می‌آورد که شاید ایران و آمریکا در صدر راهی برای بازیابی توافقی باشند؛ تحلیل شما از این موضوع چگونه است؟

این تحلیل نوعی نگاه تقلیل گراییه و آرزومندانه به دنیای سیاست است. دولت ایالات متحده آمریکا در واشنگتن وظیفه دارد که شهروندان تابع این کشور را در هر کجای جهان حمایت و در جهت آزادسازی آنها از زندان‌های کشورهای دیگر مورد توجه قرار دهد. تبادل زندانیان برای آمریکا یک وظیفه اساسی محسوب می‌شود. پس اینکه بگوییم آمریکا برای تبادل زندانیان اقدام می‌کند و این تبادل زندانیان نشان دهنده گرایش آمریکا برای ایجاد فضای دوستی با تهران است چه از سوی تحلیلگران بین‌المللی و حتی آمریکایی مطرح شود و چه از سوی تحلیلگران ارزش گرادر تهران یک تحلیل بسیار آرزومندانه و سرگرم کننده است. ایالات متحده آمریکا متعهد به حفظ جان شهروندان و حمایت از اتباع این کشور در سراسر جهان است. فلذا در کشوری که اینگونه به زندانیان به عنوان ابزار و اهرم فشاری بر روی دولت مستقر بر واشنگتن می‌نگرد برای آمریکایی‌ها یک رسالت مضاعف محسوب می‌شود. از طرف دیگر مذاکراتی با میانجی‌گری کشورها و پایتخت‌های کشورهای منطقه و حتی نظام بین‌الملل صورت گرفته که مساله ایران با آمریکا حل شود. دولت واقع



مهدی مطهر نیا دبیر خانه شورای امنیت سازمان ملل

آنچه روسیه و چین نشان داده‌اند آن است که همواره محافظه کارانه از برگ ایران به نفع پایتخت‌های خود استفاده کردند و هیچگاه نه چین و نه روسیه و نه سازمان‌های بین‌المللی مثل جنبش غیر متعهدها و دیگر سازمان‌هایی که در این زمینه ایران در عرصه بین‌المللی بارها به آنها اشاره و حتی تکیه کرده است برای ایران سرمایه گذاری خاصی را در دهه‌های گذشته انجام نداده‌اند. از طرف دیگر نزدیکی ایالات متحده آمریکا با اتحادیه اروپا در ارتباط با پرونده ایران و همچنین درباره پرونده‌های متفاوتی که در باب تهران مطرح است بیشتر شده است. به ویژه همکاری میان واشنگتن و لندن در ارتباط با تهران رو به تزاید است

اگر؛ برنامه‌نویست یا عملگر همواره از این میانجی‌گری‌ها استقبال و با وجود شکست‌های گوناگون در نشست‌های مختلف باز هم میز مذاکره حاضر می‌شود. اما مهم این است که آیا مواضع خود را ناپدیده می‌انگارد، عقب می‌نشیند و امتیاز می‌دهد؟ به نظر می‌رسد که آمریکایی‌ها در هیچ کدام از این نشست‌ها از نشست‌های مذاکرات وین در دولت رئیسی و حتی قبل از آن و اکنون از مواضع خود نه تنها عدول نکرده‌اند بلکه سخت‌تر از گذشته تحریم‌های بیشتری را بر تهران تحمیل می‌کنند. حال در این میان آیا تبادل چند زندانی اثری بر کل موضوع دارد؟ من می‌گویم خیر؛ فقط می‌تواند نوعی نسیم بسیار کوتاه بر این مسیر بنوازد. اما اثر غایی ندارد. همان‌گونه که پیش از این هم نداشت و بارها بر این نکته تأکید کردم.

آمریکایی‌ها در مقاطع مختلف بعضاً از پابندی به مذاکرات برای رسیدن به توافق جدید صحبت کرده‌اند و ایران نیز همواره بر احیای بر جام تأکید داشته؛ این نوع نگرش اختلافی چقدر باعث می‌شود که طرفین سوم بخواهند از این مساله منافع خود را بی‌گیرند؟

از مساله ایران و آمریکانه تنها طرفین سوم بلکه طرف‌های متکثری بهره‌برند. پکن از برگ ایران برای گرفتن امتیاز از آمریکا استفاده کرده و همچنان که مسکو همین کار را کرده است. به همین‌گونه سه کشور بزرگ اروپایی نیز توانستند در فراز و نشیب‌هایی از تاریخ، با نزدیکی و دوری به تهران در بازی‌های سیاسی این چند دهه اخیر وارد دهایی برای خود داشته باشند. لذا این امر بسیار مسجلی است که پرونده ایران در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی به عنوان یک برگ پرونده‌ان و آنبدا برای طرفین و کشورهای ثالث امروز چهره نشان می‌دهند و بر همگان ثابت شده است که حتی پکن که ایران آن را شریک استراتژیک می‌خواند و در پی امضای توافقنامه ۲۵ ساله استراتژیک با پکن یا ۲۰ ساله با رهش‌های بین‌المللی علیه تهران است. ایران قبلاً عضو ناظر شانگهای حمایت نکرده‌اند، همواره با بهره‌مندی از ایران و پرونده ایران در برابر آمریکا در نظام بین‌الملل سودهای خاص خود را از آن اخذ کرده‌اند و سپس ایران را باز در تحریم‌ها تنها گذاشته‌اند. فلذا چندین بار باید این مساله آموده‌شود تا به این نتیجه برسیم که نظام بین‌الملل و الگوهای عمل در این نظام بین‌المللی تابع محض مفهوم قدرت و مکانیزم‌های پیچیده ارتباط‌های مبتنی بر این مفهوم میان پایتخت‌های کشورهای بزرگ در عرصه بین‌المللی است.

حضور ایران در پیمان‌هایی مثل شانگهای و بریکس به چه میزان می‌تواند خلأ و جودی بر جام را برای ایران پوشش دهد؟

این مساله بیشتر نوعی پروپاگاندا است. نزدیکی تهران با کشورهای حوزه‌های گوناگون این توافقنامه‌هایی را گریز از نزوای سیاسی ناشی از فشارهای بین‌المللی علیه تهران است. ایران قبلاً عضو ناظر شانگهای شد و سپس به عضویت دائم در آمد و امروز با عضو بودن در شانگهای یا بریکس چه چیزی می‌تواند از منظر عینی در عرصه عملی در جهت حمایت از تهران داشته باشد؟ اینها می‌تواند تیترو روزنامه‌های شما را بر کند ولی سفره‌های مردم و خزانه‌های ملی را نه.

طوفان الاقصی و افتادن نقاب از چهره چین و هند

چرایی انفعال دل‌الان قدرت در خاور میانه

همزمان با حمله غافلگیرانه حماس، گروهی از سناتورهای آمریکایی در پکن بودند. حتی زمانی که وزارت خارجه چین در باب این حمله بیانی‌های صادر کرد، تلاش داشت تا موضعی بی طرفانه اتخاذ کند، از همین رو صرفاً بر برقراری «آرامش» و آتش‌بس فوری تأکید کرد. کار به جایی رسید که چاک شومر، رهبر اکثریت دموکرات سنا، با این که مهیمان پکن بود این بیانی‌ها را به چالش بکشد. اما چین بر موضوع ایستاد، چنین رویکردی نشان از آن دارد که کشورهای آسیایی که در قامت دل‌الان قدرت در خاور میانه فعالیت دارند، در بحرانی‌ترین شرایط هم درگیر بازی‌های سیاسی‌اند.

فرصت طلبی به سبک چین و هند

دیپلماسی چین حول محور اعتدال تعریف شده، از همین رو پکن به دنبال تعمیق روابطش هم با اسرائیل است و هم با فلسطین. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین ماه ژوئن به چین سفر داشت و بنیامین نتانیا‌هو نیز اواخر سال جاری راهی این کشور شد. همین گزاره در باب هند نیز صدق می‌کند، بازیگری که تحت رهبری نارندرا مودی از منظر سیاسی به اسرائیل نزدیک‌تر شده است، اما به لحاظ تاریخی تاریخی رابطه‌ای قوی با فلسطین دارد. به نظر می‌رسد چین و هند بر این باورند که می‌توانند «از راه دور برنده بازی شوند»، به بیانی بهتر، این دو بازیگر به دنبال دستاوردهای دیپلماتیک هستند، اما از درگیر شدن در پیچیدگی‌های خاور میانه اجتناب می‌کنند. آسیا تأییم در این باره نوشت: دهلی نو و پکن بر روی طناب محکم قدم برداشته و تلاش دارند از ورود به دور تازه‌ای از درگیری‌ها اجتناب کرده و در عین حال بر پیروزی‌های سیاسی که معتقدند به دست آورده‌اند، پایبند باشند. اما همانطور که جنگ تشدید می‌شود، ماندن بر روی طناب مستلزم توسل به اهرمی متعادل کننده و هوشمندانه است. هدایت سکان دیپلماسی چین بسیار دشوار تر از دیپلماسی هند خواهد بود، زیرا پکن به دنبال این است که خود را هم به عنوان ابرقدرت و هم به عنوان کشوری که دیپلماسی اش متفاوت از دیپلماسی ایالات متحده است، معرفی کند.

وقتی نقاب‌ها می‌افتند!

ناظران بر این باورند که اگر چین به دنبال ابر قدرت شدن است، باید به مناقشه ورود کرده یا حداقل نشان دهد که توانایی شکل دادن به واقعیت سیاسی دیگر بازیگران را دارد. علاوه بر این، اگر این کشور می‌خواهد متفاوت از ایالات متحده عمل کند، نیازمند تعریف سیاستی دقیق است. تا به امروز هم پکن و هم دهلی نو در میانه درگیری اسرائیل و حماس، با گذاشتن نقاب بی طرفی، مشخص نکرده‌اند که در کدام طرف ایستاده‌اند، اما با شروع جنگ زمینی حفظ این بی طرفی دشوار است. به باور ناظران، سناریوی آنچه رخ داده برای پکن غیر منظره بوده، لایحاً آن که با میانجیگری میان عربستان و ایران حس امنیت کاذبی به دست آورد. حالا با آغاز جنگ میان اسرائیل و حماس، معادلات با آنچه به‌بران پکن تصور می‌کردند، متفاوت شده است. اگر اسرائیل درگیر حمله زمینی شود و تلفات انسانی افزایش یابد، این احتمال وجود دارد که هند نیز ناچار شود تا بالاخره در ارتباط با این مناقشه موضع‌گیری کند. چنین گزاره‌ای ممکن است افکار عمومی را در داخل و در سراسر جهان تحت تأثیر قرار دهد – حتی این احتمال وجود دارد که به دلیل حمایت دهلی نو از تل آویو؛ کشورهای عربی موضعی سخت‌گیرانه اتخاذ کنند. چنین گزاره‌ای با لحاظ کردن حضور تعداد زیادی از کارگران هندی در باز یگران عرب، معادلات را برای ام‌ودی دشوار تر خواهد کرد. ماه گذشته، زمانی که در نشست گروه ۲۰ تعریف کردید تجاری جدید گفته شد؛ گذرگاهی که اروپا را به کشورهای عربی خلیج فارس و هند مرتبط می‌کند، مودی اعلام کرد که چنین ابتکار عملی «پایه تجارت جهانی برای صدها سال» خواهد بود. اکنون دهلی نو با مانعی بزرگ روبه‌رو است. زیرا برای این کردید و بنیامین روابط خوب بین عربستان و اسرائیل است، گزاره‌ای که جنگ طولانی می‌تواند آن را به خطر بیندازد. پس می‌توان گفت، انفعال، معضل غول‌های آسیایی است. برای اینکه یک دلال قدرت در خاور میانه باشیم به چیزی بیش از دست دادن نیاز داریم. گاهی اوقات نیز باید درگیر به سیاست شد. برای چین، رقیب آمریکا و هند، رقیب چین، بر جسته شدن ردپای شان در خاور میانه، راهی برای آمایش قدرت در صحنه جهانی است. گزاره‌ای که به نظر می‌رسد هیچ یک برای آن آماده نیستند.

سید محمد حسینی:

دادگاهی برای بررسی جنایات جنگی رژیم صهیونیستی بر گزار شود

معاون پارلمانی رئیس‌جمهور درباره نحوه واکنش سازمان‌های بین‌المللی به جنایات صهیونیست‌ها در غزه، اظهار کرد: این سازمان‌ها جنایات صهیونیست‌ها را محکوم می‌کنند ولی اقداماتشان در حدی نیست که بتواند مانع ادامه جنایات این رژیم بشود. آنها گاهی یک مساله را در کشورهایی که با سیاست‌های نظام غرب مخالفت دارند، بزرگ می‌کنند و دم از حقوق بشر می‌زنند که مثلاً یک فرد مجرم در این کشور مجازات شد و تمام رسانه‌ها را درباره یک نفر اختصاص داده و جنگ روانی به راه می‌اندازند، اما الان بیش از هزار نفر در یک بمباران وحشیانه شهید شدند و روزانه مقادیر زیادی بمب بر روی مردم غیر نظامی ریخته می‌شود ولی سازمان‌های بین‌المللی اقدامی جدی انجام نمی‌دهند. سیدمحمد حسینی تأکید کرد: در سازمان ملل و شورای امنیت باید اقدام جدی برای توقف جنایات صهیونیست‌ها انجام شود و دولت‌ها را وادار کرد تا اقدامی انجام دهند. باید دادگاهی برای رسیدگی به این جنایات جنگی تشکیل شود. اگر در گذشته تردیدی در خیانت و جنایت رژیم صهیونیستی وجود داشت، با جنایاتی که در این چند روز انجام داد، ماهیت این رژیم آشکار شد. حسینی با بیان اینکه بمباران و محاصره مردم غزه با اصول انسانی سازگار ندارد، تصریح کرد: اگر سازمان‌های بین‌المللی خواهان حفظ جایگاه خود هستند باید اقدام جدی برای مقابله با جنایات جنگی رژیم صهیونیستی در غزه انجام دهند.